



تعویق یکی از پر بیننده ترین های تلویزیونی جهان

پخش زنده مسابقه بوکس مایک تاپسون و جیک پل از نتفلیکس به دلیل بدتر شدن زخم تاپسون به تعویق افتاد. ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت، برگزارکنندگان پخش زنده مسابقه بوکس مایک تاپسون و جیک پل، درباره این رویداد گفته‌اند که مبارزه بین جیک پل و مایک تاپسون - که قرار است از طریق نتفلیکس پخش شود - طبق برنامه‌ریزی اولیه برای ۲۰ ژوئیه برگزار نخواهد شد، زیرا تاپسون به‌تازگی جراحی برداشته است. تاریخ جدید مبارزه تا جمعه آینده، هفتم ژوئن اعلام خواهد شد. به گفته MVP، این مبارزه که در ماه مارس اعلام شد، در همان مکان، استادیوم AT&T در آرلینگتون، تگزاس، ۲۰۲۴ برگزار خواهد شد. در بیانیه منتشر شده در این مورد آمده است، مایک و جیک هر دو موافق هستند که این عادلانه است که اطمینان حاصل شود که هر دو ورزشکار زمان ترمیمی برابر برای آماده شدن برای این مسابقه مهم داشته باشند و بتوانند در بالاترین سطح رقابت کنند.



جان برنسايد درگذشت

جان برنسايد، نویسنده اسکاتلندی و برنده جایزه برای کتاب «استخوان گربه سیاه» درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، جان برنسايد که بیش از ۳۵ سال فعالیت ادبی داشت، یکی از تنها سه نفری بود که هر دو جایزه معتبر شعر بریتانیا را برای یک کتاب دریافت کرده بود. او که نگارش کتاب‌های «استخوان گربه سیاه» و «رقص پنهانگی» را در کارنامه داشت، پس از یک بیماری کوتاه در ۶۹ سالگی درگذشته است. اگرچه این نویسنده اسکاتلندی عمدتاً به خاطر شعرهایش شناخته می‌شود، اما به اشکال مختلف نویسندگی از جمله داستان‌نویسی و خاطرات در طول زندگی حرفه‌ای بیش از سه دهه‌ای خود اشتغال داشت. او در سال ۲۰۱۱ برنده جایزه تی اس الیوت و جایزه فوروارد برای مجموعه شعرش با عنوان «استخوان گربه سیاه» شد که او را به یکی از سه شاعری تبدیل کرد که هر دو جایزه معتبر شعر بریتانیا را برای یک کتاب برنده شده است.



اشتیاق برای فیلم‌های ونیز ۲۰۲۴

ونیز ۲۰۲۴ میزبان فیلم‌های مطرحی چون «جوکر ۲»، «ماریا»، «سودی» و «گرگها» خواهد بود. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ویرایتی نوشت، جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۴ در حال شکل‌دادن به برنامه امسال خود است و به‌نظر می‌رسد با موجی از چهره‌های درجه یک همراه شود و از لیدی گاگا و خاوین فینیکس تا آنجلینا جولی، دنیل کریگ، جانی دپ، جورج کلونی، برد پیت و آنا د آرماس را میزبانی کند. اگرچه آلبرتو باربرا رئیس جشنواره، هنوز چندین اثر ارسالی را ندیده، مجموعه‌ای از فیلم‌های مطرح -گرچه خارج از بخش رقابتی- اما برای نخستین بار در این جشنواره دیده خواهند شد. «جوکر ۲»، دنباله موزیکالی که تاد فیلیپس بر «جوکر» برنده شیر طلای سال ۲۰۱۹ ساخته و «ماریا»، فیلم زندگینامه‌ای ماریا کالاس به کارگردانی پابلو لارین از جمله فیلم‌های پرسرودای امسال ونیز خواهند بود. امسال ایزابل هویز، بازیگر فرانسوی ریاست هیئت‌داوران را برعهده دارد و هشتادویکمین دوره جشنواره فیلم ونیز از ۱۲۸ اگوست تا ۷ سپتامبر (۱۷ تا شهریور ماه) برگزار می‌شود.



نیکسن: ستاره کاظمی، هم‌میزبان

# نیکل بسط عدالت را در پیشرفت اخلاقی می‌جوید

## گفت‌وگو با حسین هوشمند و جواد حیدری درباره اهمیت اندیشه تامس نیکل به بهانه انتشار ترجمه کتاب برابری و جانبداری



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

تامس نیکل، فیلسوف آمریکایی متولد ۱۹۳۷ میلادی، صاحب آثاری ارزشمند در حوزه فلسفه ذهن، فلسفه سیاسی، فلسفه اخلاق و معرفت‌شناسی است. در سال‌های اخیر ۸ کتاب از نیکل را جواد حیدری، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد ترجمه کرده است. به تازگی هم چاپ دوم ترجمه کتاب «برابری و جانبداری» نیکل منتشر شده است. به همین مناسبت در نشست با حضور جواد حیدری و حسین هوشمند پژوهشگر فلسفه سیاسی و استاد اخلاق تطبیقی دانشگاه کونوردیای کانادا به بررسی اهمیت تلاش نیکل و نقشی که او در تقریر و تکامل سنت فلسفه سیاسی جان رالز و نظریه عدالت این فیلسوف سیاسی برجسته داشته است، پرداختیم. در ادامه متن این گفت‌وگو تقدیم خوانندگان خواهد شد.

آزادی‌ها سخن گفت. در اندیشه روسوبرای اولین بار جرقه‌هایی از ایده برابری زده شد و مارکس نیز روایت دیگری از همین غایت ارائه کرد. جان استوارت میل گفت‌فایده و بیشترین شادکامی برای بیشترین افراد جامعه است که ارجحیت دارد. بعدتر در قرن بیستم رالز ایده عدالت را مطرح کرد. رالز هیچ‌گاه درباره ماکیاوللی بحثی نکرد اما در بحثش به امنیت‌هایز، آزادی لاک و رفاه میل نیز توجه دارد. البته از همه مهمتر برای رالز کانت است به‌خصوص به‌دلیل تفسیری که از قراردادگرایی می‌دهد. روی هم رفته رالز نظامی ارائه می‌دهد که همه این غایات که در سیاست دنبال می‌شوند و در حوزه Morality تعریف می‌شوند، در آن دیده می‌شوند. نظام رالزی منسجم‌ترین دستگاه فکری است که تاکنون در سیاست ارائه شده و همه غایات را ذیل عدالت صورتبندی می‌کند. دستگاه‌های فکری هر کدام از متفکران قبلی تالی‌های فلسفی دارد. پیامد بحث‌هایز اقتدارگرایی است، بحث لاک به لیبرتاریانسم می‌رسد، برابری مد نظر مارکس هم که در مارکسیسم شکست خورد و اگر فایده‌گرایی مینا باشد ممکن است زندگی اقلیت یا مجزایبودن افراد نادیده گرفته شود.

رالز در نظریه عدالت ایراد همه این بحث‌ها را برطرف می‌کند. نیکل این سنت رالزی را در کتاب خود از منظری دیگر براساس روش ایزکتیو-سازکتیو بررسی می‌کند. او هم به بحث‌های‌هایز، لاک، روسو و مارکس توجه دارد. البته نیکل هم به ماکیاوللی هیچ اشاره‌ای ندارد. بنابراین این کتاب تفسیری از سنت فکری جان رالز است و رالز هم علاوه بر جمع‌بندی تاریخی، اخلاقی‌ترین و عمیق‌ترین تفسیر سیاسی را ارائه داده است. به همین دلیل هم نیکل کتاب را به رالز تقدیم کرده است که Subject را عوض کرد. البته این تقدیم ابهامی دارد که شارحان بدان توجه کرده و گفته‌اند مشخص نیست که منظور نیکل از Subject، رشته علمی فلسفه سیاسی است یا موضوع آن که همان عدالت است؟

اهمات بحث نظریه عدالت رالز چیست و او چگونه تعارض آزادی و برابری را طرح می‌کند؟

حسین هوشمند: مسئله اساسی که نیکل در این کتاب بدان می‌پردازد مسئله بنیادین فلسفه سیاسی مدرن یعنی تعارض میان دو ایده آل آزادی (که نیکل بدان می‌گوید جانبداری) و برابری است. در دوران مدرن این تعارض در فلسفه سیاسی برجسته شده است. اگر خواهیم به زبان کانتی سخن بگوییم، می‌توانیم به تمایزی که کانت میان عقلانیت (Rationality) و معقولیت (Reasonability) قائل بود اشاره کنیم. عقلانیت یعنی جانبداری؛ اینکه هر انسانی طرحی عقلانی از زندگی خود داشته‌باشد. معقولیت یعنی انصاف و همکاری اجتماعی و ارزش برابر برای دیگران قائل شدن؛ یعنی توجه به برابری.

از همین منظر Rationality با Ethics و Reasonability با Morality نسبت دارد. این تمایز کانتی وقتی به نیکل می‌رسد، می‌شود تمایز میان برابری و جانبداری و وقتی به رالز می‌رسد می‌شود نسبت میان آزادی و برابری. نیکل این مسئله را در دو سطح دنبال می‌کند. نخست در سطح برابری اقتصادی و عدالت توزیعی و دوم در سطح پلورالیسم فرهنگی و بی‌طرفی دولت. سطح نخست، عدالت توزیعی است که به توزیع منابع و مواهب اساسی نظیر درآمد، ثروت، بهداشت، آموزش، آزادی‌ها و عزت‌نفس افراد می‌پردازد.

در امر عدالت توزیعی چالش عمده این است که چگونه باید منابع عمومی مذکور که هر انسانی برای خودشکوفایی و برخورداری از شیوه مطلوب زندگی خود بدان نیاز دارد، توزیع شوند تا افراد هم از آزادی، هم از برابری برخوردار شوند. رالز در نظریه عدالتش می‌گوید که هدف عدالت این است که چگونه می‌توان توزیع منصفانه‌ای از منافع و موانع همکاری اجتماعی صورت داد؟ برای این منظور، رالز دو اصل را مطرح می‌کند. اصل اول می‌گوید آزادی‌های اساسی باید به‌طور برابر برای همه اعضای جامعه (شهروندان) توزیع شود. تأکید این اصل عمدتاً بر حقوق و آزادی‌های فکری و سیاسی است؛ آزادی‌هایی مشخص چون آزادی مشارکت سیاسی، آزادی انتخاب شیوه زندگی یا آزادی وجدان، آزادی بیان، حق رأی، حق برابری قضائی و آزادی مالکیت خصوصی که البته رالز در اصل برای این آزادی‌ها محدودیتی ایجاد می‌کند. اصل دوم اما جزو دارد. جزء اول برابری منصفانه فرصت‌هاست؛ فرصت‌های برخورداری از آموزش و اشتغال و مناصب و موقعیت‌های اجتماعی که باید به‌طور برابر برای همه شهروندان جامعه گشوده‌باشد. تحقق این دو اصل، میزان بالایی از آزادی‌ها و برابری‌ها را تأمین خواهد کرد. اما جامع‌های را مفروض بگیریم که این دو اصل در آن تحقق یافته باشد، باز هم ممکن است در چنین جامعه‌ای شاهد نابرابری‌های معضل‌آفرین باشیم؛ نابرابری‌هایی ناشی از قابلیت‌ها و شایستگی‌های متفاوت افراد، توانمندی‌های ذهنی، روحی و استعداد‌های طبیعی افراد متفاوت است و این می‌تواند در برخورداری از منابع عمومی و به‌تبع آن سطح زندگی آنها نیز تأثیر بسزایی بگذارد. در اینجا رالز جزء دوم اصل دوم، یعنی «اصل تفاوت» را که مهم‌ترین بخش نظریه او نیز هست، مطرح می‌کند. این اصل می‌گوید زمانی این نابرابری‌ها موجه هستند که به انتفاع کبهره‌ترین یا محروم‌ترین اقشار جامعه منجر شوند. از نظر رالز بی‌توجهی به این اصل، هم آزادی و هم برابری را زیر سوال می‌برد. رالز در اینجا به سخن مارکس نظر دارد که آزادی باید ارزش واقعی داشته‌باشد. آزادی فرد ثروتمند با آزادی طبقات محروم متفاوت است. بدین ترتیب، حتی با وجود برابری منصفانه فرصت‌ها باز افرادی که لیاقت و استعداد بیشتری دارند، موقعیت‌های بالاتری خواهند داشت. رالز می‌گوید که لیاقت و شایستگی افراد محصول شرایط اجتماعی و اقتصادی آنهاست و به‌همین دلیل از نظر رالز برابری زمانی معنا پیدا می‌کند که کیفیت زندگی محروم‌ترین اقشار جامعه بهبود حد اکثری پیدا کند. این ملاک مهمی برای تبیین هر نوع نظام اقتصادی عادلانه است. با این تفسیر، رالز و نیکل مسئله توزیع عادلانه منابع را به‌نحو مطرح می‌کنند که بین عقلانیت یا جانبداری و منفعت شخصی یا چیزی که به‌فرد Attach شده است و معقولیت یا امر مربوط به دیگری و برابری یا چیزی که فرد باید از خود Detach کند، موازنه‌ای برقرار شود. نیکل این نظریه عدالت رالز را به‌منزله معقول‌ترین نظریه عدالت مفروض می‌گیرد و معتقد است که می‌تواند تعارض جانبداری و برابری را به‌نحو معقولی حل کند.

سطح دیگر، تعارض میان مبانی متافیزیکی، اخلاقی و دینی افراد است، یعنی پلورالیسم فرهنگی. در این سطح نظریه عدالت، بحث بر سر مواهب مادی نیست بلکه تصویری که از خیر اخلاقی اعم از دینی یا سکولار داریم بحث می‌شود. افراد تصورات متفاوتی از سعادت خودشان و معنای زندگی و شیوه‌های زندگی دارند و این می‌تواند با وظیفه یا کارکرد دولت تعارض پیدا کند. پرسش اینجا این است که دولت باید معطوف به کمال اخلاقی افراد باشد و یک زندگی خوب را

